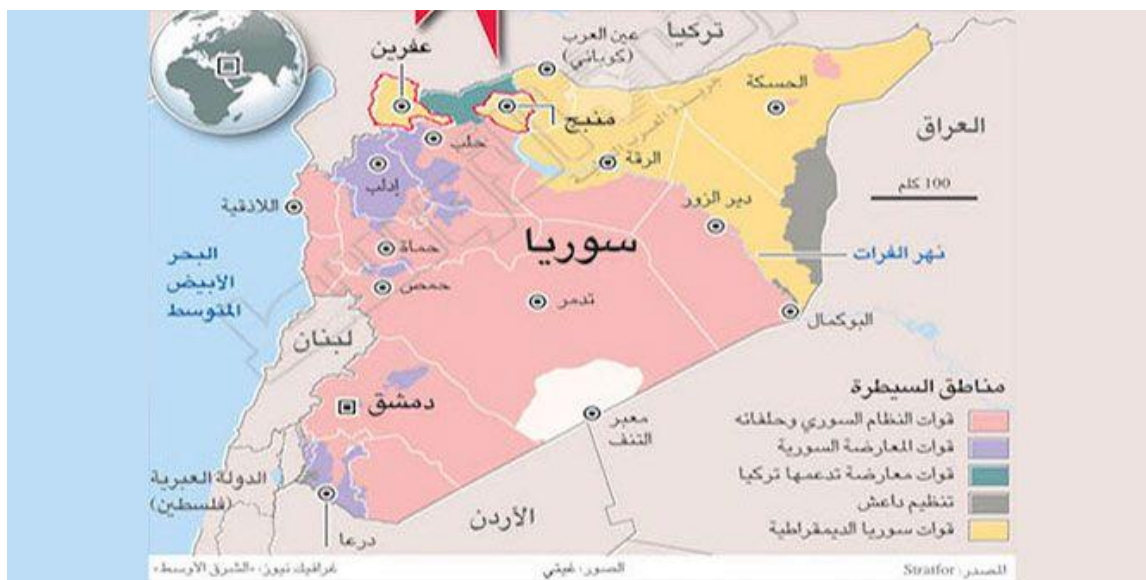


بسم الله الرحمن الرحيم

آیا انقلاب شام در بین دو لبه شمیر قرار دارد؟



(ترجمه)

شاید بسیاری از آن چه را که در خصوص انقلاب شام و اوضاع و احوال آن می‌خواهیم مطرح نماییم، قبلاً بارها گفته شده باشد و ممکن است تکرار حوادث و بررسی مکرر وقایع، خواننده را خسته کند، چون واقعیت انقلاب شام به معلومات عامه تبدیل شده است، اما آیا همین محض در حق انقلاب شام کفایت می‌کند؟

بارها واقعیت انقلاب شام مفصلاً بیان گردیده است، اما در مقابل پاسخ و عکس‌العمل مطلوبی بدست نیامده، در حالی که هیچگاه هدف از بیان واقعیت، ارائه گزارش خبری نبوده است؛ بلکه از امت توقع می‌رفت که در قبال انقلاب مبارک شام احساس مسئولیت کرده و موقف لازم خویش را داشته باشد. استفاده فرزندان امت از بیان مفصل اوضاع انقلاب شام، به جز از معلوماتی که آن‌ها را در مجالس شان نقل می‌کنند، چیزی بیشتری نبوده و از این معلومات در ساحة مسئولیت عملی هیچگاه کار گرفته نشده است. بنابر آن، لازم است که معلومات امت گردزداى شده تا به فکر واداشته شوند. بلی، وضعیت را هربار باید تکرار کرد تا برایش گوش شناوائی پیدا شده و بر سلوک و رفتار امت تأثیری گذاشته و در نتیجه منجر به تحرک امت و باعث دریدن پرده‌ای شود که امت را درین وضعیت قرار داده است.

از این که منبع تغییر امت با وجود علمش به اوضاع و احوال و توانمندی آن بر تغییر، پاسخگو نیست، چنین برمی‌آید که حالت امت از آن چه که قبل از دریدن پرده سکوت آن پیش از بهار عربی و بیداری چشم‌گیر آن بوده، فرق نموده است. لذا بر رهنمای غمخواری که بر اهلس دروغ نمی‌گوید، لازم است که مسئولیت امت را برایش گوشزد کند. سوالی را که

بسیاری مطرح می‌کنند، این است که آیا اوضاع کنونی انقلاب شام علیه آن بوده و منجر به ناکامی قریب‌الوقوع آن خواهد شد؟ و آیا بعد از این همه فداکاری و تحمل مصیبت‌ها، بار دیگر نظام مزدوری در شام حاکم خواهد شد؟

اگر به چشم بصیرت به سوی انقلاب شام نگاه کرده شود، دیده خواهد شد که این انقلاب مبارک از همان بدو آغازش از شر در کمین‌نشسته‌گان، منافقین، تاریک‌اندیشان و سایر کهنه‌فکران، در امان نبود. انقلاب شام از زمان شروع آن در ماه مارچ تا کنون که هفت سال از آن می‌گذرد، هیچ روزی بر آن نگذشته؛ مگر این که در میان دو لبه شمشیر قرار داشته است. دولت‌های کفری و مزدوران آن‌ها چون درندگانی از هر طرف جهان بر انقلاب شام حمله‌ور شده، همگی آن را بی‌وقفه می‌گزند: برخی بعد از مهار انقلاب در طمع جای پای میان‌امت می‌باشند، برخی به غارت سرمایه‌های این سرزمین چشم دوخته‌اند و برخی می‌خواهند چند سال دیگر هم امت تحت تسلط آن‌ها باقی بماند. نزد این‌ها اهل شام، مصیبت‌ها و درد و رنج‌شان هیچ اهمیتی ندارد، تمام هم و غم آن‌ها سیکولریزم آن‌ها بوده و همین دلیل، کینه‌توزی آن‌ها نسبت به انقلاب شام می‌باشد.

آن‌ها صرفاً در قبال نظام‌ها و قدرت‌های خود وفادار بوده و بس، نظام‌های مزدوری که مایه تأسف بوده و بعد از سقوط دولت اسلامی، سرپناهی چون آغوش مادر برای مسلمانان، تضمین‌کننده خیر و صلاح آن‌ها، تأسیس نموده‌اند؛ نظام‌هایی که بر رعیت خود ظلم روا داشته و غلامی اربابان‌شان تنها وظیفه‌شان می‌باشد. تمام هدف آنان را تداوم منصب‌های‌شان تشکیل می‌دهد. بنابر این، آنان هرکاری را برای رضایت اربابان‌شان انجام می‌دهند، ولو که عملکردشان ناخوشنودی الله سبحانه و تعالی را در پی داشته باشد و این آخرین سرحد هم و غم‌شان می‌باشد (بالاترین هدفی که در خاطرشان جولان می‌زند). دنیا آن‌ها را در برابر مسئولیت‌هایی که در قبال امت دارند، کور کرده، به امانتی که در دست دارند، خیانت می‌کنند و سرمایه و استعداد امت را ضایع می‌نمایند.

از همان ماه مارچ سال 2011م به بعد، با امواج خیانت از رسیدن کشتی‌های انقلاب مردم سوریه به هدف مشروع‌شان، جلوگیری نموده است. هیچ وسیله و هیچ اسلوب و امکاناتی نیست که دشمنان از آن استفاده ننموده باشند. مهره‌های این میدان فرقه‌ای به لباس انقلابیونی می‌باشند که در خدمت اربابان خویش، به فرزندان شام خیانت نموده به آن‌ها ضربه‌های درناک بسیاری را وارد نموده‌اند و صرف در انحراف انقلاب سهم داشته‌اند. بعضی از رهبران گروه‌های مزدور طمع‌کار و بعضی از سیاسیون سیکولر بی‌شرمانه در برابر نصوص الله سبحانه و تعالی قیام نموده، برای بدست آوردن متاع پوچ دنیوی، که راه جهنم بدترین وعده‌گاه ظالمین را برای‌شان هموار خواهد کرد، شیطان مآبانه نصوص الله سبحانه و تعالی را تأویل می‌نمایند.

مردم شام، سخت‌ترین روزها و سال‌های خویش را تجربه کرده‌اند؛ جان، مال و دارائی‌های خویش را از دست داده‌اند، اما در مقابل، محض به امید پاداش الله سبحانه و تعالی صبر لازم نموده‌اند. توطئه قدرت‌مندترین دولت‌ها، از شکستن اراده آن‌ها عاجز مانده است. اهل شام طبق فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم، بهترین بندگان الله سبحانه و تعالی در بهترین سرزمین الله سبحانه و تعالی بودند. بزرگ‌ترین مصیبتی که دامن انقلاب مبارک شام را گرفت و باعث شد از

سقوط قطعی نظام خائن و مزدور دمشق جلوگیری نماید، این بود که در میان انقلاب گروه‌هایی راه یافتند که تمام هدف‌شان را دستیابی به قدرت و مال تشکیل می‌داد و این مسئله اینک برای همه‌گان روشن گردیده است.

این حالت مانند حالات قبلی می‌باشد که اهل شام آن‌ها را گذرانده اند، اما آن‌چه که برای اهل شام واجب است، این است که بار دیگر در مسیر هدف مشروع خویش، بر مسیری که انقلاب‌شان را بر آن استوار نموده بودند، یکجا شوند تا نظام را از بنیه و اساسش مانند گذشته، به سرنگونی مواجه کنند و آن را در وضعیتی قرار دهند که از شکستن اراده‌شان عاجز مانده بودند.

ملت‌های کفری، تمام فعالیت‌های امت را به کمک نظام‌های دونماید و خودساخته خویش زیر نظر دارند، نظام‌هایی که به چنین منظوری تأسیس شده و به مثابه چشم‌وگوش باز، ملت‌های کفری آن‌ها را در استعمال وحشیانه‌ترین ابزارشان برای جلوگیری از هر حرکت امت از مسیر هدف مشروع آن، یاری می‌رسانند؛ هدف مشروعی که قدرت ازدست رفته‌ای امت را برایش باز می‌گرداند. هرچند آن ابزار وحشیانه، از جمله مواد شیمیایی باشد که استعمال آن‌ها ممنوعیت بین‌المللی دارد، بازهم بالای امت اسلامی استعمال می‌شوند. چنان‌چه بارها در غوطه، خان شیخون و درین اواخر در دوما استعمال شد. اما تمام آن‌چه که جامعه بین‌المللی و دولت‌های مدعی اسلام انجام می‌دهند، اینست که هرگاه آن‌چه را که سلاح ممنوع بین‌المللی می‌نامند، بالای امت استعمال می‌شود، تقبیح کرده و تلاش می‌کنند که در خلال بیانها و اظهار تأسف‌های خویش آبرویابی کنند. اما انقلابیون مخلص شام به خوبی می‌دانند که تمام دولت‌های جهانی با آن‌که اسالیب‌شان متفاوت است، نیت و هدف‌شان یکی می‌باشند و می‌خواهند از به قدرت رسیدن این دین جلوگیری نمایند. این دولت‌ها با تمام تلاش در پی آن اند که بتوانند بقای خویش را در میان امت حفظ نمایند و اگر هم لازم باشد، درین راه میلیون‌ها انسان را قتل عام می‌کنند، این آخرین سرحد هم و غم‌شان بوده و نیز طبیعت ایدیولوژی کثیف آن‌ها چنین می‌باشد.

ای اهل ما در شام! ما از همان آغاز انقلاب، مانند انقلابیون، فعالانه در کنار شما بودیم، ما هر زمانی که بزدل‌ها می‌خواستند انقلاب شما را سرقت نمایند، هم‌چون سپر محافظ در اختیار شما بودیم. ما در میان صفوف شما هر مصیبت و درد و رنجی را که بر شما رسیده است، بر ما نیز رسیده. ما برای شما مانند مادری برای فرزندان شما بودیم که از آن‌ها مراقب و آن‌ها را به سمت خیر و صلاح‌شان راهنمایی می‌نمود. در تمام حالات دشوار انقلاب با شما زنده‌گی نمودیم؛ انقلابی که حتی یک روز را هم بدون خون و آتش سپری ننمود. شما را از غرب کافر از نیت و نیرنگ‌ها و اسالیب آن‌ها هشدار می‌دهیم. ما راهنمایی بودیم که در برابر مردم خود صادق بوده و به آن‌ها دروغ نمی‌گوید. ما در تمام مراحل خطرات بزرگ، چون هشدار دهنده‌ای عریان عمل نمودیم و هم‌چنان خواهیم بود. در امروز، فردا و تا آن‌که قضای الله سبحانه و تعالی آن کند، که باید شود، و ما هم‌چنان راهنمای صادقی خواهیم ماند که پیشاپیش اهلش در مسیر رسیدن به وعده الله سبحانه و تعالی و بشارت رسولش صلی الله علیه وسلم که خلافت راشده برمنهج نبوت است، قرار می‌گیرد.

ای اهل ما در شام! از این حالتی که بر انقلاب آمده است، مأیوس نشوید، زیرا این سنت الله سبحانه و تعالی می باشد که پیش از صبح، تاریک ترین ساعات را قرارداده، حلقات را چنان فشار می دهد تا مستحکم گردند، لیکن بعد از صبح روشنی و فراخی عظیم از راه می رسد، آن روز تنها چیزی که از شما می طلبد، صبر است و بس. اما قسم به الله سبحانه و تعالی اگر کار را بر اهلش می سپردید تا کنون تمام ظالمین سرنگون می گشتند.

انقلاب شام درین صحنه بزرگ تنها نیست؛ اگر تمام گرگ های جهان هم بر آن گرد آمده باشند، الله سبحانه و تعالی مکرشان را به خودشان برمی گرداند، حتی اگر مکر آن ها در حدی بزرگ و قدرتمند باشد که بتواند کوه ها را از هم جدا کند و الله سبحانه و تعالی بهترین مکر کننده گان است. آن چه که خطر ناک است، اینست که از رحمت الله سبحانه و تعالی ناامید شده و به او تعالی پناه نبریم؛ زیرا نصرت نیست؛ مگر از جانب الله سبحانه و تعالی، اما از طرفی با آن که الله سبحانه و تعالی وعده خود و پیامبرش صلی الله علیه وسلم را خلاف نمی کند، بر ما نصرت الله سبحانه و تعالی نیز واجب است.

نویسنده: استاذ عبدو الدلی (أبوالمندر)

2 شعبان 1439 هـ.ق

18 اپریل 2018 م